



۲۸ اسفندماه ۲۵۳۹ شاهنشاهی
 ۹ ربیع الثانی ۱۳۹۸ هجری
 ۱۹ مارس ۱۹۷۸ میلادی } یکشنبه

مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز یکشنبه (۲۸) اسفندماه ۲۵۳۹ شاهنشاهی

- فهرست مطالب :
- ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.
 - ۲ - تصویب صورت جلسه روزهای سهشنبه شب نهم و صبح چهارشنبه دهم و سهشنبه شانزدهم و صبح پنجشنبه بیست و پنجم اسفندماه ۲۵۳۹.
 - ۳ - تقدیم لایحه انتخابات مجلس سنا و مجلس شورای ملی بوسیله آقای اسدالله نصر اصفهانی وزیر کشور.
 - ۴ - طرح استیضاح آقای بنی احمد واخذ رأی مثبت و اظهار اعتماد مجلس به دولت.
 - ۵ - تقدیم لایحه الحاق ماده ۱۴۸ مکرره قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۵۳۱ شاهنشاهی بوسیله آقای اسماعیل هنرمندی معاون وزارت دادگستری.
 - ۶ - بیانات بعد از دستور آقای غلامحسین دانشی.
 - ۷ - اعلام وصول لایحه اجازه عضویت سازمان تحقیقات زمین شناسی و معدنی کشور در کمیسیون جهانی تهیه نقشه زمین شناسی جهان واتحادیه بین المللی علوم زمین شناسی از مجلس سنا.
 - ۸ - اعلام تعطیلات نوروزی مجلس و ختم جلسه.

جلسه ساعت نهم صبح بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل شد

- ۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.
- رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود.
- (بشرح زیر خوانده شد)
- غائبین با اجازه - آقایان : اسکوتی - اسحق نژاد - اشرفی - الداغی - بهبهانی - بیات - دکتر تجدد - تژده - توکلی - جاف - محمد جزایری - حجتی - سعید جواد - دکتر دادفر - سعادت قدس نیا شهبازی - صائب - صبوری - دکتر عاملی تهرانی - فرمان - قائمی - قدسی - کاسمی - دکتر نصیری - تربتی - هرزندی - پاسینی.
- بانوان : اما آقایان - اباضلی - وحیدی - افشار جعفری - سلیمی.
- ۲ - تصویب صورت جلسه روزهای سهشنبه شب نهم و صبح چهارشنبه دهم و سهشنبه شانزدهم و صبح پنجشنبه بیست و پنجم اسفندماه ۲۵۳۹.
- رئیس - صورت جلسه های سهشنبه شب نهم اسفند و صبح روز چهارشنبه دهم اسفند و سهشنبه ۱۶ اسفند و پنجشنبه ۲۵ اسفند توزیع شده است ، نسبت به این چهار صورت جلسه نظری نیست؟ (اظهاری نشد) این صورت جلسه ها تصویب میشود.
- ۳ - تقدیم لایحه انتخابات مجلس سنا و مجلس شورای ملی بوسیله آقای اسدالله نصر اصفهانی وزیر کشور.
- رئیس - وارد دستور مشیوم جناب آقای نصر اصفهانی فرمایشی دارید بفرمائید.
- اسدالله نصر اصفهانی (وزیر کشور) - با کسب

اجازه از حضور ریاست محترم مجلس لایحه انتخابات مجلس سنا و مجلس شورای ملی را تقدیم میکنم و تقاضای تصویب آن را دارم.

رئیس - لایحه به کمیسیونهای مربوط ارجاع میشود.

۴- طرح استیضاح آقای بنی احمد و اخذ رأی مثبت و اظهار اعتماد مجلس به دولت.

رئیس - استیضاح آقای بنی احمد از دولت مطرح است، آقای بنی احمد تشریف بیاورید.

بنی احمد - با اجازه مقام ریاست - خانمها، آقایان، تنها درسی که همه گروهی از نمایندگان که چهارده سال سابقه و کالت دارند بینگام قرائت استیضاح بمن داد، این بود که در جلسه حاضر برخلاف رویه پارلمانی خود در تشریح استیضاح از روی یادداشتهای تنظیم شده سخنان خود را شروع کنم. اینکار بیشتر بدلیل آن است که با توجه بحضور هیئت محترم دولت در مجلس آقایان همه و غوغا و یا بتعبیر مقام شایخ ریاست مجلس شورای ملی ابراز احساسات خود را افزایش خواهند داد. البته هیچ گلابه از وکلای دوران چهارده ساله ندارم، چون تشخیص مصالح شخصی آنها با خودشان است و حضورشان در چهارده سال مستمر، خود دلیل کیفیت این تشخیص است (سواد کوهی - آقای بنی احمد به مجلس توهین نکنید) اگر آنعد معذور را ولوی فرض محال در روابط شخصی نسبت بخود بیمهر بدانم در دلسوزی و کمال علاقه شخصی دکتر رئیسی نمیتوانم تردید داشته باشم. زیرا هم او بود که وسیله معرفی اینجانب را به بیمارستان کائونال لوزان فراهم آورد. ولی بهر تقدیر ابراز احساسات آنها از لژ هیئت رئیسه و از ناحیه ایشان چون به سبب مصلحت شخصی بوده است کوچکترین گله ای به دل ندارم (عباس میرزائی - شما راجع به استیضاح صحبت کنید بنده اخطار نظامنامه ای میکنم ایشان غیر از مطالب استیضاح راجع به مطلب دیگری نمیتواند صحبت کند) اما اخبار و نوشته روزنامهها بدین متن: که در تمام مدت قرائت استیضاح، نمایندگان شدت با آن مخالفت میکردند - یقین دارم در تشویق سایر نمایندگان مؤثر واقع نخواهد شد. آنان بخوبی ته دل میدانند که چه میگویم و چرا میگویم. اگر احیاناً هم ندانند شاید بدین علت باشد که آذربایجانی را بخوبی نمیشناسند (عباس میرزائی - این شما هستید که اشتباه میکنید همه جای مملکت را نمایندگان - ملت ایران می شناسند) اول میخواهم آب پاک روی دست همه پرونده سازان حرفه ای بریزم و در کمال صراحت بگویم: روز ۲۹ بهمن

ماه مردم تبریز بودند که بازار و مغازهها را تعطیل کردند - مردم تبریز بودند که بازهم بلاگردان حوادث شدند و ناراضی دیرین خود را ابراز داشتند حالا اگر دستهای در کار بوده تا از یک هشدار مسالمت آمیز و اجتماع در مساجد سوء استفاده نماید، مسئول آن عوامل دولتی هستند نه مردم (همه نمایندگان)

رئیس - خواهش میکنم روی میز ننزید بگذارید صحبتشان را بکنند.

بنی احمد - مردم با بصد در آوردن این زنک در حقیقت بنظام مملکت و به بقای کشور خدمت کردند آنها بخیال خود میخواهند غفلتهای گذشته را برخ بکشند تا دولت راه و رسم مردمی در پیش گیرد و کشور از گزند دشمنان داخلی و خارجی مصون بماند. آنها از صمیم دل آرزو داشتند که دولت با رزهای زنده جامعه توجه کند تا از بروز هر نوع حادثه فتنه انگیز جلوگیری شود. بدون شک مصالح هیچ ایرانی در هرج و مرج و ناامنی نیست بهمین دلیل است که مصرأ اجرای دقیق قانون اساسی را خواستارند زیرا اگر مسیر حرکت جامعه ما در جهت خلاف قانون اساسی باشد هیچکس نه دولت و نه ملت از آفت آن در امان نخواهد بود. البته با برداشت فعلی و آنچه که در فضای امروز می بینم، انتظار چاپ سخنان خود را در تشریح علل استیضاح ندارم، چون به یقین در قبال سخنان پرنفاز هیئت دولت مجالی برای چاپ مفاد این استیضاح پیدا نخواهد شد. اما می هیچ تظاهر و یا توقع خطایم بتاریخ است و ثبت و ضبط در صورت مذاکرات رسمی مجلس را برای ادای وظیفه خود کافی میدانم. از صفحه اول و دوم استیضاح میگذرم و برای اینکه استطاعت جسمی خود را در نظر بگیرم بگوشه هائی از مسئولیت دولت در تهیه زمینه اصلی حادثه میپردازم.

۱ - حذف نقش مردم از مشارکت اجتماعی و سیاسی: شاید در هیچ کجای دنیا سابقه نداشته باشد که دولتی ولو بهر درجه از کاردانی، ملی گرایی و سازندگی از حمایت بدون استثناء تمام گروهها برخوردار باشد. اگر ادعا شود که تمام گروههای موجود جامعه بکدل و یک زبان، همراه و همگام همه اقدامات دولت هستند، منظور از آن جوانمی است که در بن رژیهای دیکتاتوری سرخ و نظام فاشیستی قرار دارد فقط این دو پدیده هستند که در افق چنین ادعائی بهم میرسند. بنابراین کسی نمیگوید چرا می و چند میلیون ایرانی پشت سر اقدامات دولت نیستند. سوال اصلی اینست که چه گروههایی در مشارکت اجتماعی و سیاسی با دولت هستند؟ آیا فقط معدودی دیوانسالاران مجدوب و یا تعدادی کارمندان میروپ برای پیاده کردن برنامه های

عظیم دنیای امروز کافی است؟ یاد آن بزرگمرد فلسفی و سیاسی بخیر که میگفت: اگر قرن ۱۹ قرن مردان بزرگ بود در برابر مشکلات کوچک، قرن ما قرن مشکلات بزرگتر است در برابر مردان کوچک.

اگرچه هرجامه را بگروههای بی شمار میتوان تقسیم کرد اما عناصر موجود را در یک اجتماع بهر صورت نمیتوان انکار یا نفی کرد. تا گروههای یک اجتماع شناخته نشود و قدرت این گروهها معلوم نگردد نمیشود گفت

موقعیت گروهها چیست و نقش آنان چگونه حذف شده است اگر از کثرت و عدد شروع کنیم بر اساس آخرین آمار سازمان آمار ایران بیش از ۶۰ درصد جمعیت کشور فعلا در شهرها زندگی می کنند. در میان شهرنشینان نیز عدد و اکثریت با طبقه بازاری، اهل داد و ستد و صاحبان مغازهها و فروشندگان کوچک و بزرگ است. اگر این مثال را از حوزه انتخابیه خود بزنم به ۸۰ هزار (مغازه دار) در این شهر زندگی میکنند که باعائله تحت کفالت که خواه و ناخواه با تأملات روحی و روانی آنها اکثرأ همراهی دارند، بیشترین جمعیت شهر را تشکیل میدهند. آیا در این چند سال نقش اجتماعی و مشارکت سیاسی این طبقه جلب شده است؟ اگر نقش این طبقه عظیم حذف نشده چگونه با همه تلاشی که بعمل آمد، در تابستان گذشته در انتخابات میان دوره ای سنا شهر تبریز عملا آنرا تحریم کرد. چگونه کاندیدای مصونیت دار از یک شهر یک میلیون نفری هزار رأی نتوانست بدست آورد؟ و چگونه بیش از دوهزار نفر رأی خود را بصندوق نریختند! اگر نقش این گروه که در تهران هم همان کثرت و عده را بلکه با ضریب بیشتر دارد حذف شده بود چرا در انتخابات میان دوره ای مجلس شورای ملی ۴/۵ میلیون کمتر از ۴ هزار نفر رأی دهنده داشته و نماینده پایتخت با هفت هزار رأی بمجلس شورای ملی راه یافت. در حالی که آخرین نفر در آخرین انتخابات ایران نوینی از تهران، بیش از شصدهزار رأی داشت! بنظر میرسد که به تعریف اصل دوم قانون اساسی از نماینده مجلس توجه بیشتر باید کنیم.

اصل دوم: (مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایرانست که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند).

جناب آقای دکتر جمشید آموزگار که اینعا تشریف نداشتند دولت جناب آقای دکتر آموزگار را استیضاح کرده ام نه آقای وزیر کشور را و مطابق آئین نامه داخلی مجلس همه هیئت وزیران باید در مجلس حاضر میشدند این

مطلب در آئین نامه صراحت دارد و جای تردید نیست در ماده ای که مربوط به تعیین روز استیضاح است صراحت دارد که وزیر یا وزیران مزبور در مجلس حاضر میشوند و همانطور که آقای پزشکپور توضیح دادند این خلاف آئین نامه است و اگر استنباط آقای پزشکپور را هم بیکدرجه پایین بیاوریم باید خود آقای نخست وزیر بعنوان رئیس دولت در مجلس حضور داشته باشند بهر حال آیا این دوزنگ خطر را که طین آن از دوری دولت و مردم خبر میداد نشنیدید؟ این مقاومت

منفی مردم را ندیدید؟ اگر اقدامات ناموجه و مخصوصاً آنچه که بارت بشما رسیده متکی بشمارکت ۶۰٪ اکثریت شهرنشینان میباشد، پس چرا این گروه به دعوت شمالبیک نگفتند؟ (مظهري - کی اینها را گفته است) آنوقت شما باید حساب میکردید که مردم را سالهاست از دولت جدا کرده اند. بچستجوی در آشتی میپرداختید. آنقدر دست روی دست گذاشته شد که مردم سکوت خود را بگونه اعتراض و تعطیل عمومی بشکنند و مأمورین دولت شرایطی فراهم کنند که این هشدار را بخشونت جواب گویند. اگر راست است که یکی از استانداران شمانه تنها در مساجد را باز کرده بلکه خود نیز در مراسم شرکت کرده است چه تأیید و تشویق از چنین حسن نیت شخصی بعمل آورده اید؟! اگر چنین باشد او درک کرده بود که مردم بموقع میخواهند هشدار بدهند. آن دستی که شبانگاه ۲۸ بهمن قفل را بمغازهها زد و صبح روز دوشنبه باز کرد، دست مصمم و معترض با اقدامات ناروا بود و فرمان آنرا هم مرجع عالیقدر تقلید جهان شیعه از شهر مذهبی قم صادر کرده بود. ملاحظه میفرمائید کاریکه بیک اشاره مقام روحانیت صورت می پذیرد دهها کانال تلویزیونی و دهها فرستنده رادیویی روزنامه های وابسته و پیوسته نمیتوانند انجام دهند.

حذف نقش روحانیون: اگرچه جامعه روحانیت بمعنی اخص از نظر تعداد و کثرت محدود است اما از لحاظ قدرت و حوزه عمل از وسعت نامحدود برخوردار است، تمام گروههای دیگر جامعه تحت هر شرایطی هر کدام بنحوی بمدار این نهضت میگردند. خیلی ساده بگویم مدعیان تمامداری باید بافت جامعه ایران را بشناسند.

مردم در کارشناس بودن عوامل دولتی تردیدی ندارند اما در میان آنها جامعه شناس معتمد نبودند. کسی که اگر جامعه شناس هم نباشد، لااقل با مردم باشد. میکروفن های از پیش مهیا و نطق ها و خطابه های رنگین و سنگین. اگر بکشورهای همجوار خود نگاه کنی ببینی

در یک کشور ۲۰۰ میلیونی پس از استقرار شصت سال نظام مسلکی و حکومت جزم و تحمیل هنوز هم ۲۴ میلیون مسلمان موجود را احترام میگذارند. کشوری که نه تنها لامذهب بلکه اصولاً ضد هر نوع اندیشه مذهبی است. پدران ما و رجال صدر مشروطیت که نهال پرثمری بنام رژیم مشروطه کاشتند ۷۰ سال پیش براتب پیش از ما از بافت جامعه شناخت داشتند آنجا که بکرات در قانون اساسی بعنوان و جهات مختلف ستونهای اصلی جامعه را برشمرده اند: در اصل اول متمم قانون اساسی و در اصل دوم متمم قانون اساسی که طولانیترین اصل از اصول قانون اساسی است ارزیابی صحیح خود را از ریشه های اعتقادی افراد جامعه نشان میدهند.

بر پایه اصل یازدهم نمایندگان مجلس باید سوگند یاد کنند - بر اساس اصل ۳۹ متمم سلاطین قبل از جلوس باید سوگند بجا آورند - بموجب اصل چهارم متمم نایب السلطنه باید سوگند خدا گوید..... علیرغم این موجودیت متأسفانه طوری عمل کردند که جامعه روحانیت از مشارکت اجتماعی و سیاسی کنار ماند. بدلیل جانبازیها نیکه روحانیت در صدر مشروطیت کرده تا امروز ما بیائیم روی این مسندها بنشینیم. بدلیل منش های ذمگراتیک که از خود نشان داده تبدیل بیک نیروی بالقوه ای شده که حضور آنها را باید درک کرد. اگر قدرت معنوی و شکننده مذهب نبود چکمه پوشان اجنبی در برابر ثقه الاسلامها برای دوسطر نامه زانو نمیزدند و بعد هم از وحشت، جنون اعدام آن آزاد مرد بسرشان نمیزد. من نمیخواهم بعلماء و مراجع تقلید دیگر کثرتاً امثالهم اشاره کنم، اما در مورد بزرگواریکه میتوانست راه گشای حکومتها باشد متأسفانه از ارشادش بی بهره ماندید اگر هیچکس نداند شخص شاهنشاه بخوبی میدانند که در وقایع سهمگین آذربایجان و بازگشت آن بام وطن چه نقش عظیمی بردوش این مرشد مذهبی بوده است (مظهری - این شخص کی است) مقام ایشان اجل از آن است که اسمشان را بیاورم (چند نفر از نمایندگان - چیزی از مجلس نباید پنهان بماند) چرا با اشتباه و نداشتن شناخت واقعی از ریشه های جامعه چنین پشتوانه ها را باید دلسرد کرد؟ حذف نقش روحانیت در مشارکت اجتماعی و سیاسی در یک خط عمود نیست در خط افقی و موازی هم نیست بهر جای این صفحه قلم بگذارید روی خط است. اگر جامعه روحانیت حذف شود کشاورز و کارگر و بازاری و گروههای دیگر هم حذف شده است. مگر استقلال ایران از عصر خلاصی از مرکزیت خلافت رنگ روحانیت نداشت؟ مگر جنگجویان صفوی

در دسته های صد نفری اندام خود را در برابر تبریزان ترک بخاک نمی انداختند که تا خون بعدی بالا آمد که دیگر پای ترکان عثمانی در خون مدافعان استقلال ایران در همین شهر تبریز از حرکت بازماند. بحث های روشنفکرانه و ذهنی اگر از مسائل عینی جامعه نشأت نکرده باشد پیشری ارزش نخواهد داشت. چرا کار بجائی باید برسد که از آنچنان مقام این چنین خطاب صادر گردد:

..... اگر واقعاً مأمورین حسن نیت داشتند می گفتند آقایان دوسه نفر از خودشان انتخاب کنند بیایند به بنییم چه میگویند تا اگر حق میگویند قبول کنیم اگر ناحق میگویند به آنها بگوئیم ناحق میگویند اینکار را نکردند. یا خیر! میخواستند بدون رسیدگی متفرق کنند، میتوانستند همانطوریکه در جاهای دیگر، ممالک دیگر، در خود ایران معمول است در جائیکه می خواهند مردم را متفرق کنند وسائلی دارند به اصطلاح میگویند گاز اشک آور منتشر کنند مردم متفرق شوند اگر میخواستند مردم متفرق شوند اینکار را میکردند میخواستند آب پاشی کنند. میخواستند اخطار قبلی کنند که اگر کسی تا دو ساعت تا سه ساعت دیگر اینجا باشد در معرض خطر واقع میشود تا اینکه اینها می فهمیدند و متفرق میشدند میخواستند بمنازل آقایان علما و مراجع تلفن کنند، بگویند آقایان اینها را متفرق کنند بگویند اینها در خطرند هیچکدام از این کارها را نکردند یک مرتبه دیدیم که تیراندازی شروع شد وعده ای را بی گناه، بی دفاع، بی پناه کشتند در این بین طلبه کشته شد غیر طلبه کشته شد زن کشته شد بچه کشته شد (چند نفر از نمایندگان اینطور نیست) حذف نقش معلم و استاد و دانشجو: من دانشجویان را از دیدگاه دولت و بر اصل استدلال «جوانی و شور و شرم» می پذیرم، اما از طبقه معلم و دانشیار و استادیار و استاد و استاد ممتاز نمیتوانم بسادگی بگذرم. نقش این گروه نیز در فعالیت های اجتماعی و سیاسی حذف شده و یا بترتیبی در گذشته عمل شده که در آنها رغبت و شوق مشارکت باقی نمانده است. در اینجا نامه ای با مضامین یکصد و هشت نفر از اعضای هیئت های علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی - دانشکده ادبیات علوم انسانی - دانشکده بهداشت دانشکده دامپزشکی و دانشکده اقتصاد، در اختیار دارم که اکثر شما آنها را میشناسید و حتی برخی در مقامات اداری و در منظومه دولت میچرخند جناب آقای نخست وزیر آیا این نامه را ملاحظه فرموده اید؟ آیا پس از خواندن با آنها

گفتگو کرده اید؟ و آیا در این گفتگو بکطرف قانع شده است؟ اگر جواب منفی است چرا؟ اگر اینها خلاف نوشته اند باید قانع کرد اگر تصور میکنند دانشجویان و فرهنگ شما را نمیدانند اما اینها که سربان من و شما بوده اند و تربیت کنندگان وزیران و نخست وزیران آینده هستند در شان برخورد افکار و عقایدند نه تنها با ماها بلکه با بزرگترین استادان علم و دانش دنیای امروز، از قسمت اعظم مطالبی که در این نامه آمده میگذرم چون واقعاً باز کردن این تابلو را لازم نمیدانم. در این نامه بخوبی ثابت میشود که هیئت های علمی دانشگاه بکلی از مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی وطن خود حذف شده اند. در این نامه پس از شرح وقایعی می نویسند: اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران با کمال احترام اجازه می خواهند که با توجه به حوادث و سوانحی که در سنوات اخیر و خاصه ایام حاضر دامنگیر محیط آموزشی شده خاطر آن جناب را به وضع حساس محیط زندگی علمی و وضع رقتبار پیشه معلمی جلب گردانیده و نکاتی را از سر وظیفه و وجدان اجتماعی و آموزشی با آن مقام منبع در میان گذارند. این نامه از سوی کسانسی برای آن جناب نوشته می شود که به وظایف خطیر مملسی و اجتماعی خود و قوف کامل دارند و واقف به قدر و شان خود هستند، می دانند که اگر برای ایران آبروئی نماند خود نیز آبروئی نخواهند داشت و می دانند که برای کسب شرف و حیثیت و احترام معلمی تا چه حد کوشش باید کرد و رنج باید برد. بهترین روزگار جوانی این گروه در سر این کار رفته است که نه فقط برای امروز ایران بلکه برای فردا و فردهای این کشور هم تعلیم و تربیت نسل توانا و دانا را هدف و رسالت شغلی خود قرار دهند و خوشترین یادگاری که از زندگی دارند یاد ساعتی است که با دانشجویان و طالبان علم در کلاس گفتگو داشته اند و میدانند که استمرار تاریخ و فرهنگ و تمدن و ادب ایران چگونه در دست این معماران قرار دارد و چه رسالت مهمی برای فردای ایران دارند و چون آن جناب رانیز معلم زاده می شناسند، بنابراین شاید آسان تر بتوانند خاطر تان را نصبت به حادثه مهمی که اتفاق افتاده است و می رود که احتمال اتفاق آن به کثرت تمام پیش بیاید، جلب نمایند. از آنجا که اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران این واقعه و منابع مشابه را تنها یک حادثه گذرانمی دانستند، بلکه آن را به منزله زنگ خطری در فضای ایران منعکس می یابند، وظیفه خود میدانند تا بر طبق اصل نهم اصول متمم قانون اساسی

که میگوید افراد از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و معترض اخدی نمی توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت تعیین می نماید و اصل دوازدهم همان قانون که اظهار میدارد، حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی شود مگر به موجب قانون معترض این اعمال و رفتار می باشند و از آن بالاتر هتک حرمت معلم را در حد جسارتی به علم و فرهنگ و تمدن این سرزمین میدانند. زیرا روشن است که با اوضاع فعلی نه مجالی برای درس و فحش و گفتار و نمو حکمت و معرفت می ماند و نه امیدی به بسط تمدن و کسب سعادت اجتماعی می توان داشت.

جناب آقای نخست وزیر که در مجلس تشریف ندارید دشواری مسئله در این است که چطور می توان در دانشجو شوق و رغبتی واقعی ایجاد کرد؟ زحمت معلم مسئله ساکت کردن دانشجو و به پایان بردن کلاس نیست چرا که هر چه باشد هنوز هم به سائقه احترامی که از پیش برای معلم در نزد دانشجو باقیست، نامش حرمت و جاذبه ای را به همراه دارد. خون دل معلم در این است که چگونه می تواند این رسالت را به انجام برساند و صدای مهرانگیز او کجای تواند که از میان فریاد و فحش و بی حرمتیها، نسل جوان ایران را دریابد؟ آیا چنین وضع و حالی شایسته کشور باستانی ما هست؟ در حالی که همه اهتمام ما باید بالفعل و بالقوه مصروف نگاهداری حیثیت ایران و مردم ایران و تاریخ و ادب و فرهنگ ایران باشد.

جناب آقای نخست وزیر که تشریف ندارید اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران زنگهای خطر را با رویدادهائی که در محیط آموزشی ایران پیش آمده است، به صدا درمی آورند. زندگی دانشگاهی مختل است و حرمت معلم که مانند استقلال مملکت محل بحث و گفتگو ندارد، در خطر است و بیدار شدن چنین حوادثی و ایجاد چنین بلوائی از سوی کسانی که بطور قطع و یقین آمرانی بدون شناخت مسئولیتند، نشانه واضحی است بر این که راه را گم کرده ایم و به بیراهه میرویم. جناب آقای نخست وزیر ماحقایی را بیان کردیم. اینک بر آن جناب است که عطف توجه کنید تا آشکار شود که بر سر دانشگاهیان کشور چه می آید و آنها چه روزگار سیاه و تباہی دارند شاید از همین طریق راهی برای مشکل بمران آموزشی مملکت که اظهار من الشمس است بیاید. تا بلکه بتوانید آن را دریابید و نجات دهید. هیئت علمی دانشگاه در انتظار اقدام مؤثر و

پاسخ عاجل نمایند. هیأت علمی دانشکده ادبیات و علوم انسانی - هیأت علمی دانشکده اقتصاد - هیأت علمی دانشکده بهداشت - هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی - هیأت علمی دانشکده دامپزشکی .

حذف نقش مطبوعات که خوشبختانه در مجلس روزنامه نگار نداریم و شاید این بحث بسکوت برگزار شود بنظر من در هیچ دورانی از تاریخ مشروطیت ایران ، مطبوعات اینچنین مقام و منزلت خود را از دست نداده است . و به تعبیر واقع‌شان و اعتبار رکن چهارم از او باز ستانده نشده است من در برابر بیش از صدها سطر از فساد سانسور مطبوعات که در پای حساب محشر مدیر مجله خواندنیها آمده است ، نیازی به صحبت دیگر نمی‌بینم ولی به ادامه نوع باصلاح دموکراتیک تر آن در شرایط حاضر اشاره میکنم . سرنوشت نطق جناب پزشکپور و چگونگی آن را میدانید و هفته گذشته نیز همه خانمها و آقایان شاهد بودند که متن استیضاح از دولت در مطبوعات و بطور کلی در هیچیک از وسائل ارتباط جمعی منتشر نشد .

اما همه جا گفتند و نوشتند : (در تمام مدتی که متن استیضاح قرائت میشد نمایندگان بشدت با آن مخالفت می کردند) . آیا مردم نباید بدانند که نمایندگان با چه استیضاحی و با چه متنی مخالف بوده‌اند ؟ چرا مردم باید اخبار و وقایع مبین خود را از روزنامه‌ها و رادیوهای خارج گوش کنند ؟ روزی عرض کردم که روزنامه نگاری در ایران وقایع نگاری شده است ، گروه روزنامه نویس فعلی از من رنجیدند . اما امروز میخواهم گناه خود را دوچندان کنم و این گفته خود را پس بگیرم و یا آنرا چنین اصلاح کنم : ای کاش روزنامه نگاری در ایران ، وقایع نگاری یا چیزی شبیه آن بود . وقایع نگاری شامل تمام آن حوادثی است که اتفاق می افتد و وقایع نگار از همه آنچه که خبر میگیرد مینویسد .

برای اینکه آنچه در گذشته آزمایش شده ، شما نیز آن را بیازمایید بیاید اجازه دهید نویسندگان و صاحبان قلم کشور برای خود نشریه‌ای برگزینند نام «آزرا» شما انتخاب کنید و بر تمام مطالب آن ، صفحه بصفحه و سطر به سطر و کلام به کلام نظارت داشته باشید . اگر خلاف قانون اساسی و قانون مطبوعات در آن چیزی دیدید . نویسنده ، ناشر و طابع و موزع آنرا به شدیدترین وجه مجازات کنید . نشریه دیگری را هم نویسندگان و صاحبان قلمی که به ارباب دولت حاضر رسیده‌اند انتشار دهند عناوین و موضوعهای مردم نشریه را نیز در زمینه مسائل اجتماعی و اقتصادی و

سیاسی شما انتخاب کنید و جناب آقای داریوش همایون مدیر محترم روزنامه آیندگان و وزیر اطلاعات و جهانگردی نیز تیراژ انتشار آنرا را همراه دادستان تهران همچنانکه معمول کشورهای پیشرفته است در هر شماره تعیین کنند - جناب آقای نخست‌وزیر که تشریف ندارید این رفراندومی است که راه صراحت و صداقت را به جنابعالی نشان خواهد داد و معنی و مفهوم مشارکت اجتماعی و سیاسی را بطور وسیع تعیین خواهد کرد .

همچنانکه در استیضاح از دولت آمده است هدف دولت بودن در سالهای اخیر دستخوش دگرگونیهای اساسی شده

است ! امروز مفهوم دولت مفهوم قدیم آن نیست هر روز تحول آن از حالت اجتماعی به اجتماعی تر و پیچیده تر و حضورش در همه جا و در همه شؤون زندگی مردم خود نمایی می کند . اهمیت گسترش نقش دولتها تنها به کثرت نیازهای موجود جامعه و مباشرت دولت به تأمین این نیازها نیست . تغییر مفهوم دولت در پیش بینی رویدادهای اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی و تمام زمینه‌های دیگر است .

یک رابطه بین حرکت اقتصادی دولت و حرکت اجتماعی دولت بین درآمدها و گرایش جامعه - بین سیر انتخابی برای وصول به هدف و ظرفیت جامعه دیده میشود . امروز جامعه ما برای رشد صنعت سرمایه گذاریهای سنگین کرده است . اگر از بخش دولتی صرف نظر کنیم در بخش خصوصی این منابع درآمد که می‌بایست به نحو عادلانه بین تمام افراد جامعه توزیع گردد ، فنودالیم صنعتی را باور ساخته ، بطوریکه یک هزار فامیل جدید در سیزده سال اخیر میلیارد ها از راه به ظاهر توسعه صنعتی ولی در واقع در قبال کار کارگران زحمتکش و مصرف کننده محکوم ، به طور نامشروع بر ثروت خود افزوده‌اند . روزی در همین مجلس گفته شد از برکت اقدامات دولت خانه یکصد هزار تومانی

مردم یک میلیون تومان قیمت پیدا کرده است . یعنی ما سرمایه مردم را ده برابر کردیم . این گونه دانشهای اقتصادی از جامعه است که علیرغم موقعیت مالی و درآمدهای نجومی از محل ذخایر کشور ما در چند سال اخیر مشکلات لاینحل در برابر ما قرار داده است . مردمی که سرمایه آنها بصورت خانه ده برابر شده چه نفع اقتصادی از این به یک خانه برای نشستن دارند و بهای این خانه بدون تغییر کیفیت آن چه تأثیری در زندگی مردم می‌تواند داشته باشد ، وانگهی مگر رشد جمعیت ایران روی صفر ثابت شده تا تقاضای مسکن نیز در نقطه صفر بماند . نتیجه

تاریخی همه جا ثابت میکند که ملت ایران ملتی است راستین پناهگاه حق و حقیقت و پاسدار حقوق ستمدیدگان و مظلومین جامعه ایران از کجروی و فسادگریزان است . در هر اجتماعی امکان وجود فساد هست در کشورهای پیشرفته چه در شرق و چه در غرب فساد وجود دارد اما مهمتر از وجود فساد تحمل فساد است و مهمتر از تحمل فساد تحمیل فساد است بجامعه .

در مبارزه با فساد : آیا دولت میتواند بگوید با کدام فساد مبارزه کرده ؟ آیا با زبانی شاهنشاهی خرمن خرمن فساد را در تار و پود دیوان سالاران و لکه‌های چرکین آن را در دامن مسئولین اجرایی پدید آورده یا در اعمال و رفتار ملت ایران ! دولت کسه به عنوان مبشر جامعه و هادی افکار ملت و در صف و مقام دلالت است ، باید موضوع خود را ثابت کند . در استیضاح اشاره بلاجه عوارض گذرانده شده است .

بحث حقوقی از دورن باینطرف اصل مسلم عطف بمسابق نشدن مواد قوانین و مقررات موضوعه را پذیرفته و حق اکتسابی افراد محترم و مصون از تعرض شناخته شده است . تنها در یک مورد جواز عطف بمسابق کردن قوانین و مقررات صادر شده است ، آنهم وقتی است که قوانین و مقررات جزائی برفع متهم یا محکوم بوده و یا شامل بخشودگی‌های مالیاتی و یا دیون افراد بدولت باشد .

اگر در لایحه تقدیمی دولت پیش بینی میشد که کسانی که تا کنون گذرانده دریافت کرده و برک خروج گرفته ولی از کشور خارج نشده‌اند ، مشمول مقررات این قانون یعنی مکلف به پرداخت عوارض اضافی خروج هستند ، چنین مقرراتی از مصادیق بارز عطف بمسابق کردن قانون و بی‌اعتنائی بحقوق مکتسبه افراد بوده یعنی مردمی که با اعتماد قوانین و مقررات موجود گذرانده گرفته و عوارض پرداخته و مهلت خروج تا تاریخ معین را دارند دارای حق اکتسابی مسلمی هستند که بهر جهت مصون از تعرض است . (رفعتی - آقای بنی‌احمد شما دولت را استیضاح میکنید یا مجلس را) این چنین رویه‌ای از نظر حقوقی خلاف اصول - از لحاظ عدم احترام دولت بمقررات جاری خلاف مصلحت و از حیث اجتماعی بدآموزی مردم و سوق دادن آنها بحکومت بی‌اعتباری قوانین است .

با کمال تأسف و تأسف افزون این ماده واحده عطف بما سبق کردن قانون هم نبود بلکه اقدام خلاف قانون اساسی و لغو صریح اصل ۱۸ بود . (مظفری - ولی حقوقدانان مجلس مثل آقای دکتر دادفر و آقای پزشکپور آمدند اینجا و استدلال کردند که این لایحه خلاف قانون

اصلی افزایش سرمایه مردم بصورت افزایش قیمت منزل مسکونی آنها یکی از ارکان اصلی گرانی قیمتها است زیرا همه میدانیم که هزینه زندگی بعد بیشتر تابعیت از هزینه مسکن دارد . آیا دولت می‌تواند بگوید با کدام فساد مبارزه کرده است ؟ بچند سال گذشته نگاه کنید فنودالیم صنعتی دولت را حامی خود دانسته و به عبارت دیگر زندگی و حمایت خود را به ناف او بسته است . بررسی ماهیت شرکتهای شهرک‌ساز و این صنایع بظاهر بزرگ بخش خصوصی از یک سو وجود آنها را در کنار دولت حقایق تلخی را نشان میدهد . دولت در گذشته بجای اینکه منابع تولیدی و عایدات ناشی از زمین سرمایه‌گزاران را در جهت تأمین رفاه عمومی بکارگیرد ، به توسعه گول‌آسی این پدیده‌های فساد سازگمارده است .

قدرت خرید مردم و افزایش قیمتها : دولت مرشد جامعه است ، اعمالش نمونه است ، تصمیم و رفتارش در افکار بازتاب مختلف دارد ، دولت آینده نگر است ، پیش‌بین و طراح است ، صاحب سیاستهای برتر است که مجموع این عوامل به جامعه روحیه و رونق می‌بخشد . امروز هر چه دولت بخواهد خود را از دخالت در مرادات زندگی مردم کنار بکشد ، باز هم حضور او در همه جا احساس میشود . اهمیت گسترش و نقش دولت و حضورش در همه شؤون مردم تکلیف افراد جامعه را بیشتر می‌کند . مردم موظفند که به قیودات و قوانین و مقررات و آئین‌نامه‌ها احترام بگذارند و دستورات تازه‌ای را رعایت کنند اما در قبال این حضور و تکالیف ، دولتها مکلفند با پیشرفتهای مادی و معنوی کشور به ملت حساب پس دهند . دولت و وزیرانی که از اختیارات کافی و لازم برخوردار بوده از اعتبارات فراوان سیر شده از ثبات طولانی برخوردار گشته و با پارلمانهای دولتخواه روبرو بوده در برابر کوچکترین عارضه اجتماعی مسؤل است .

در چند سال اخیر با همه گفتگو درباره مهار کردن قیمتها و افزایش قدرت خرید مردم ، روز بروز قیمتها در سیر صعودی خود و قدرت خرید مردم در سیر نزولی است . با عتراف محافل اقتصادی تورم ۳۰٪ ناشی از اسراف و تبذیرها و خرجهای حساب نشده و متزلزل کردن شرایط تولید مواد غذایی و کشاورزی بوده است . در مهار کردن قیمتها نیز سازمانهای مزاحمی چون اطانهای اصناف بصورت (لولو) که بدر سرخرمن نیز نمیخورد در حیات اقتصادی مردم ظاهر شده اند .

فساد موجود به جامعه تحمیل شده است - شهادت

اساسی نیست) در توجیه (عذر بدتر از گناه) از این لایحه، گفته شد که اضافه دربارتی‌ها که از تاریخ تقدیم لایحه شروع شده بطور علی‌الحساب نگهداری میشود و اگر لایحه تصویب نشد این وجوه بمرم مسترد خواهد گردید. باللعجب اگر بنا باجرای تصمیمات دولت و مقامات اجرائی بصورت علی‌الحساب است، دیگر چرا و چرا انتظار بیجای تصویب لوائح را میکشید، آنها را هم بطور علی‌الحساب اجرا کنید. مگر آن لوائح چه کم و کسری از این ماده واحده دارند. این اولین بدعت در عمر مشروطیت و قانونگذاری است که مردم با (قانون علی‌الحساب) روبرو میشوند. میگویم قانون علی‌الحساب از آن نظر که درست مانند قانون ویا همان قدرت و اعتبار و شاید بیشتر، از روز تقدیم ماده واحده بحالت اجرا درآمد. من در حیرتم که این قبیل اقدامات چگونه با استقرار قانون اساسی و نظام پارلمانی صادق است؟ در کجای دنیا تصمیمات دولت‌ها بصورت (قانون علی‌الحساب) اجرا میشود؟

علت این تصمیم عجولانه چه بوده است؟ آیا دولت اینقدر در تنگناست که بخاطر چند میلیون تومان اجازه میدهد چنین نتیجه‌گیریهای خلاف مصلحت اجتماعی در میان مردم گرفته شود؟ ضرر این کار با صد هابیلیار تومان قابل جبران نیست. کفه این بدعت ناگوار بر بدعت‌های ناگوار دیگر سنگینی خواهد کرد.

درست است که یک لایحه دولت با مخالفت و رد و استرداد روبرو نشده است. اما اینهمه اطمینان از تصویب لوائح که کار را بمرحله اجرا در مرحله تقدیم آن کشانده هرگز دلیل قدرت دولت وضعف مردم نیست.

عباسمیرزائی - این دولت ضعیف نیست این دولت مورد تأیید شاهنشاه است.

بنی‌احمد - این بزرگترین ضعف دولت شمامت.

موضع مجلس شورای ملی، مجلس که قانون اساسی پیشینی کرده موضع نماینده مجلس، نماینده اینکه متکی بآراء مردم است، در قسم نامه روشن است. این چنین مجلس و این چنین نماینده حافظ مشروطیت ایران و پاسدار ثمره جانبازهای ملتی است که برای جلوگیری از اجرای چنین تصمیمات علی‌الحساب قیام کرده‌اند. جمع کل درآمد دولت از عوارض گذرنامه در یکسال گذشته چه مبلغی بوده که تا اگر دوماه تصویب این لایحه بطول میانجامید، رقم غیر قابل تحمیلی از درآمد عمومی کسر میکردید. شکفت آور است که پارلمان نجیب و شریف و صبور و بردبار اجازه طرح چنین ماده واحده را در مجلس داد. آقای وزیر مشاور در امور پارلمانی! لحظه تقدیم آن لایحه درست یکی از همان لحظه‌هایی بود که از آخرین مسند مجلس

شورای ملی یک پیشمستی بصدای درمیآمد و شما باقیانهموقر و آراسته پشت تریبون مجلس قرار میگرفتید و این چراها را مطرح میکردید.

چراهای شما برخلاف چراهای من مورد تأیید همه بود و اخم و قهر دولت را هم بدنبال نداشت. من یقین دارم شما با چندمتر تغییر جا عوض نمیشوید. ایکاش در همان جای اصلی خود بودید و ایکاش آنروز که در آن مسند نبودید ما شاهد آن میشدیم که رامید معاون نخست وزیر در امور پارلمانی، بدون اینکه اجازه از رئیس دولت بگیرد میاید پشت این تریبون و این ماده واحده را اصلاح و عبارت از تاریخ تقدیم این لایحه را عبارت از تاریخ تصویب اصلاح میکرد. اگر بگوئید در اصولی بودن این اقدام تردید دارید، بطور مسلم در خلاف قانون بودن آن تردید نداشته باشید. اینها هستند زمینه اصلی حوادث تبریز.

عباسمیرزائی - تا حالا به دولت توهین میکردی حالا به مجلس و قانون؟

تیمساریات - آقای عباسمیرزائی سطح مجلس را پائین نیاورید بگذارید این مرد صحبتش را بکنده خدا قسم دفاع شما از دولت خودش توهین بدولت است.

عباسمیرزائی - توساکت شو تو وکیل من نیستی.

بنی‌احمد - مسئولیت دولت در برخورد و برداشت بعدی این حادثه:

در متن استیضاح نحوه و چگونگی نادرست از این برداشت را نوشته‌ام اما در اینجا میخواهم یک لحظه تاریخی را یادآور کنم و بعراض خود و به تشنج روانی و کلای ۱۴ ساله خاتمه دهم. اگر خانمها و آقایان فراموش نفرموده باشند در دوران زمامداری دوگل، جوانهای ناراضی در پاریس بلوا و اغتشاش عظیم راه انداختند و حکومت بهر وسیله‌ای که دست زد نتوانست این شورش را بخواهاند. سرانجام در یک تصادم که گویا کشته و تعدادی مجروح نیز بهمراه داشت غائله تمام شد. در پارلمان فرانسه عناصر دست راستی از دولت و وزیر کشور دوگل که اگر اشتباه نکرده باشم در آنزمان ادگاردفور بود بخاطر سرکوبی شورشیان و اعاده نظم تشکر کردند. وزیر کشور کابینه ژنرال دوگل وقتی پشت تریبون قرار گرفت گفت من متأسفم که عناصر دست راست و دوستان گلیست، بجای آنکه ریشه‌های اصلی بروز این حوادث را بجویند به تعریف از اقدامی پرداختند که ننکی بردامن من بعنوان وزیر کشور و نقطه‌ای سیاه در زندگی سیاسی ژنرال دوگل بشمار می‌رود. تقصیر از جوانها نبود. تقصیر از کوتاهی، در شناخت علل ناراضیاتی آنها بود، گناه در ریشه‌های تربیت

اجتماعی و فرهنگی ده سال اخیر بوده است. ما باید خود را اصلاح کنیم و من از نمایندگان خواهش میکنم بجای اینکه با تأیید اقدامیکه بناچار در آن لحظه کردیم و چاره دیگری هم نداشتیم ما را سرزنش کنید من بنمایندگی دولت از خانواده‌های فرانسوی و از پدران و مادران آنها عزیزخواهی میکنم. بله آقایان ما کوییدیم ولی میدانید چه کسانی را کوییدیم؟ کسانی را کوییدیم که برای فرانسه سرود ماریسز ساخته‌اند! این تحییب و برداشت آنچنان خشم‌ها را فرونشاند و چنان بدولت وزن و اعتبار داد که صدها هزار تومان تلف و از جاک که در کان بخته شده‌ای بیش نیست نمیتواند چنان اثر بگذارد. با عرض مراتب فوق نظر برعایت خیلی از مصالح ملی جامعه خود، بهمین حد اکتفا میکنم ولی اگر توضیحات دولت در زمینه اصولی و شیوه پارلمانی نباشد از فرصت قانونی لازم برای ادای توضیح و بازگویی بیشتر استفاده خواهم کرد. ونا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم.

مظفری - که در طریقت ما کافر است زنجیدن

بنی‌احمد - در طریقت شما نیست!

رئیس - جناب آقای وزیر کشور بفرمائید.

نصر اصفهانی (وزیر کشور) - با کسب اجازه از مقام محترم ریاست و نمایندگان محترم در پاسخ استیضاح جناب آقای بنی‌احمد باستحضار نمایندگان مجلس شورای ملی میرسانم.

عباسمیرزائی - آقای وزیر کشور جنابش را حذف کنید.

پزشکپور - چرا جنابش را حذف کنند هر نماینده مجلس جناب است.

رئیس - آقای پزشکپور چنین چیزی نیست اجازه بفرمائید صحبتشان را بکنند.

نصر اصفهانی - بطوریکه در متن استیضاح ملاحظه فرمودید موجب کمال تأسف است که مطالب و اطلاعات ایشان یا بر پایه شایعات استوار بود یا بر مندرجات برخی از جراید خارجی که معمولاً مطالب را تحریف میکنند و آنطور که مورد نظر خودشان است منتشر میکنند و یا از منابع غیر مسؤول و ناوارد و احياناً شایعه‌ساز کسب خبر میکنند (چند نفر از نمایندگان - صحیح است) اینجا در نهایت ضراحت باید باطلاع برسانم همانطور که در برنامه تقدیمی دولت به مجلس شورای ملی اعلام شد دولت در راه اجرای اصول انقلاب شاه و ملت گام بر میدارد و در این راه دولت نه هیچ فرد ایرانی و مطمئناً مجلس شورای ملی اجازه نمی‌دهند که ثبات و امنیت کشور که اساس همه یسرفت‌های ما بوده و خواهد بود به بازی و شوخی گرفته

شود. بطور کلی اجازه می‌خواهم به استحضار برسانم با توجه باینکه شما نمایندگان محترم با تصویب برنامه دولت در چندماه پیش و با تصویب بودجه دولت در چند روز پیش، دولت را تأیید فرمودید، بنابراین پاسخ دیگری باین اظهارات ضد انقلابی ندارم و قضاوت آنرا بعهده نمایندگان محترم مجلس شورای ملی واگذار میکنم.

رئیس - آقای بنی‌احمد فرمائید، دارید، بفرمائید.

بنی‌احمد - من هیچگونه پاسخی نشنیدم که جواب بدهم و چون هیچگونه توضیحی ندادند فکر میکنم استیضاح را قبول کردند.

رئیس - آقای ظفری فرمائید دارید؟

ظفری - پیشنهاد رأی ساکت میکنم.

رئیس - تعداد زیادی رأی مثبت رسیده است ولی چون پیشنهاد رأی ساکت اولویت دارد این پیشنهاد قرائت میشود.

(شرح زیر خوانده شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

در خصوص استیضاح مطروحه با توجه بمقررات مندرج در مواد ۱۶۱ و ۱۶۲ آئین‌نامه مجلس شورای ملی پیشنهاد رأی ساکت را مینمائیم آقای محسن پزشکپور از طرف تقدیم‌کنندگان این پیشنهاد توضیحات لازم را بیان مینمایند. پرویز ظفری - دکتر حسین طبیب محسن پزشکپور.

رئیس - آقای پزشکپور تشریف بیاورید.

پزشکپور - جناب آقای رئیس، همکاران گرامی، قبل از توضیح این نکته باید عرض کنم که من درگذشت کار این استیضاح در واقع مثله شدن یکی از مهمترین مواد آئین‌نامه مجلس شورای ملی را مشاهده می‌نمایم و آن همان موزدی است که در جلسه گذشته عرض کردم. من فکر میکردم جناب وزیر کشور فقط در جلسه گذشته به نمایندگی دولت در مجلس حضور پیدا کردند و استیضاح بایشان ابلاغ شده است. هرچند من حضور ایشان و جناب رامید را به تنهایی کافی نمیدانستم بدلالی که عرض کردم، ولی بموجب آئین‌نامه مجلس با توجه به استیضاحی که بهر حال یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی تقدیم کرده است و ناظر به کل هیئت دولت بوده است می‌بایست جناب نخست‌وزیر در اینجا حضور پیدا میکردند.

در این جلسه من بشخصه انتظار داشتم که ایشان حضور داشته باشند. ولی متأسفانه حضور پیدا نکردند و برخلاف آئین‌نامه مجلس شورای ملی و برخلاف سنت سالهای متمادی طرز کار پارلمان ایران عمل شد، که این را

برخلاف آئین نامه میدانم و در نتیجه به مصاحبت مملکت نیست .

دکتر طبیب - صحیح است .
مهندس صائبی - صحیح نیست .

پزشکیور - و اما عجیب تر نحوه توضیحات جناب وزیر کشر بود ، توضیحات وزیر کشور فقط در چند جمله آن چه که من شنیدم ، خلاصه شده بود . من نماینده مجلس شورای ملی ، هم من باب عدم حضور نخست وزیر و هم با توجه به توضیحات وزیر کشور که در واقع پاسخی

در قبل مفاد این استیضاح نبود بهیچ وجه نتوانستم آگاهی و وقوفی به مسأله پیدا کنم که بتوانم بایک وجدان بیدار رأی لازم را بدهم (دکتر طبیب و مهندس ظفری - صحیح است) من لافاقل در مورد حوادث آذربایجان انتظار داشتم و انتظار دارم که گزارش هیئت بازرسی ویژه که بامر شاهنشاه با آذربایجان فرستاده شد در این مورد در مجلس شورای ملی قرائت بشود (صحیح است) اگر هم

در جلسه علنی مقتضی ندانند در جلسه خصوصی قرائت شود تا ما ببینیم این امیری که مورد وثوق شاهنشاه است و از سوی شاهنشاه در رأس هیأتی با آذربایجان رفت و بررسی هائی کرد و گوشه ای از آن گزارش ها درج نماید منعکس شد و به سبب آن گزارشات لافاقل تغییراتی در سطح استان پیش آمد ، آن گزارش ها چه بود (صحیح است) تا ما بتوانیم بایک بررسی دقیق نسبت با استیضاح مطروحه ، و با توجه به جهات مختلف اتخاذ تصمیم

بکنم . بنابراین با توجه به مقررات ماده ۱۶۱ و ۱۶۲ که پیش بینی کرده است سه نوع رأی است رأی مثبت ، رأی منفی و رأی ساکت . رأی ساکت ناظر به مواردی

است که هنوز مجلس شورای ملی توضیحات لازم را استماع نکرده است و هنوز بررسی را ضرور میداند (صحیح است) به همین دلیل است که در ماده ۱۶۲

پیش بینی شده است که هرگاه رأی ساکت هم پذیرفته نشود می توان پیشنهاد کرد که موضوع استیضاح به کمیسیون ارجاع شود که اعضای آن متشکل از نمایندگان شعب شش گانه است و این کمیسیون موضوع را مورد رسیدگی قرار بدهد و احياناً اگر مدارک و پرونده هائی هم هست من که تصور نمی کنم و دلیلی هم نمی بینم که مصلحتی وجود داشته باشد تا موضوعی در مجلس مطرح نشود با این حال امکان دارد در کمیسیون موضوع را بررسی کنند و ظرف یک هفته گزارش بررسی ها را

به مجلس شورای ملی تقدیم کنند به این سبب پیشنهاد شده است مجلس شورای ملی رأی ساکت نسبت به این

استیضاح بدهد و مکمل این پیشنهاد این است که استیضاح به آن کمیسیون ارجاع شود والا به عقیده من همانطور که

توجه فرمودید اجازه بدهید عرض کنم با این بی اعتنائی که به مجلس شورای ملی شده است ، فرق نمی کند آن زمانی که دولت برنامه خود را میاورد و این زمانی که استیضاح میشود و با این عدم توضیحی که با آن رویرو هستیم من حقیقتاً عرض می کنم بهیچ وجه بایک وقوف کامل و وجدان بیدار نمی توانیم نسبت به این استیضاح رأی

بدهیم بنابراین هرگاه مجلس و همکاران محترم تأیید نفرمایند من عرض می کنم بناچار از دادن رأی معذور

هستم و نمایندگی هم دارم از طرف جنابان دکتر طبیب و مهندس ظفری که این موضوع را اینجا عرض کنم متشکرم (احسنت)

رئیس - چون پیشنهاد سکوت اولویت دارد به این پیشنهاد رأی میگیریم .

دکتر رئیسی - ما که رأی نمی دهیم .

آستانه ای - آقای دکتر رئیسی شما که در مقرریات رئیسه نشسته اید حق ندارید بی قاعده رفتار کنید و نباید برای ما تعیین تکلیف کنید ماهم البته رأی نمی دهیم ولی شما هم تعیین تکلیف برای مجلس نفرمائید .

دکتر رئیسی - من منظورم این است که خودم و این دو ستم رأی نمی دهیم

رئیس - به پیشنهاد سکوت رأی می گیریم خانمها و آقایانی که موافقت خواهش میکنم قیام فرمایند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد . همانطور که عرض کردم تعداد زیادی پیشنهاد رأی مثبت رسیده که یکی از آنها به امضای

آقای دکتر ضیائی است خواهشمندم فرمائید توضیح بدهید .
دکتر ضیائی - با اجازه جناب آقای رئیس و نمایندگان

محترم در این چند روز که موضوع استیضاح مطرح بود خیال میکنم مسئله عقیده نمایندگان مجلس که نمایندگان ملت ایران هستند بطور وضوح معلوم بود و من تصور می کنم این پیشنهادی که برای رأی مثبت دادم بدین جهت بود که من خیال می کنم ما آنقدر کارهای بزرگ در مملکت در پیش داریم که بهتر است از تظاهر به بعضی کارها خودداری کنیم و هم خود را صرف ساختن مملکت کنیم که با توجهات رهبر بزرگی که تمام دنیا قبول دارند پیش برویم (صحیح است - احسنت) ما این وقت خودمان را نباید صرف چنین چیزهائی کنیم پیشنهادی که

من دادم از این جهت بود و فکر می کنم با جوانی که مجلس شورای ملی به پیشنهاد سکوت داد تقریباً نشان

داد که عقیده نمایندگان محترم مجلس شورای ملی چیست بنابراین من این پیشنهاد را دادم متشکرم (احسنت)

رئیس - نسبت به این پیشنهاد مخالفی نیست؟ (اظهائى نشد) به این پیشنهاد رأی میگیریم خانمها و آقایانی که موافقت خواهش میکنم قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد نظر مجلس شورای ملی به دولت ابلاغ میشود .

رئیس - جناب وزیر کشور فرمایشی دارید بفرمائید .

نصر امینپناه (وزیر کشور) - بنده از فرصت استفاده میکنم و از محبت و عنایتی که نمایندگان مجلس ابراز فرمودند صمیمانه تشکر میکنم .

۵ - تقدیم لایحه الحاق ماده ۱۴۸ مکرره قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۰۳۱ شاهنشاهی بوسیله آقای اسماعیل هنرمندی معاون وزارت دادگستری .

رئیس - آقای هنرمندی بفرمائید .

هنرمندی (معاون وزارت دادگستری) - جناب آقای

رئیس ، نمایندگان محترم در گذشته در بعضی از حوزه های ثبتی اشکالاتی برای صدور سند مالکیت وجود داشت که در قانون اصلی و همینطور در قانون ثبت اسناد پیش بینی لازم شد و تصویب فرمودید در این قبیل قوانین ثبتی هیأتی مرکب از دو نفر از نمایندگان دادگستری و ثبت به این اشکالات رسیدگی می کنند و اشکالات را حل و فصل می کنند و سند مالکیت صادر می شود چون از آن روش استفاده شایان شده بود تعدادی از نمایندگان محترم خواستار این شدند که اولاً مهلت اجرای این قانون را تمدید کنیم و ثانیاً در بعضی از

هرستانهای دیگر هم که ضرورت داشته باشد این قانون بمورد اجرا گذاشته شود تا تکلیف این گونه املاک مردم زودتر روشن شود در چند جلسه قبل وعده داده شده بود که این لایحه

را بزودی تقدیم ساحت مقدس مجلس شورای ملی می کنم اینک خوشوقت هستم که در آخرین جلسه مجلس شورای ملی در سال جاری این لایحه را تقدیم می کنم و امیدوارم که با تصویب این لایحه قسمت اعظم مشکلات

حوزه های ثبتی رفع بشود .

رئیس - لایحه به کمیسیونهای مربوط ارجاع میشود .

۶ - بیانات بعد از دستور آقای غلامحسین دانشی .

رئیس - آقای دانشی بعنوان بعد از دستور صحبت می کنند ، تشریف بیاورید .
دانشی - جناب آقای رئیس ، همکاران ارجمند ،

مفتخرم بعرض ساحت مقدس مجلس شورای ملی برسانم که هفته گذشته خوزستان افتخار داشت تا موب مبارک شاهنشاه آریامهر و شهبانوی ارجمند و مهربان را گرمی

بدارد و مردم شاهدوست و وطن پرست خوزستان علاقه قلبی و باطنی خود را به شاهنشاه آریامهر و به کشور و پیشرفت های کشور ابراز دارند ، شاهنشاه آریامهر بعد از ظهر جمعه گذشته به آبادان تشریف فرما شدند و مورد استقبال و ابراز احساسات مردم شاهدوست و وطن پرست آبادان قرار گرفتند و مردم آبادان با همه وجود و با همه احساس ، علائق

قلبی خود را ابراز داشتند ، دیروز شاهنشاه آریامهر بزرگترین دستگاه نظیر پالایشگاه بزرگ و جهانی آبادان را افتتاح فرمودند و در اجتماع کارگران زحمتکش و مهندسان و کارکنان پالایشگاه آبادان که با نیروی این مهندسین تحصیل کرده و با فکر و اندیشه آنها پالایشگاه آبادان در شمار بزرگترین پالایشگاههای جهان قرار گرفته است ،

شاهنشاه آریامهر ضمن تقدیر از خدمات این کارکنان و کارگران و ابراز محبت و عنایت یادآوری فرمودند که در گذشته این پالایشگاه بدست خارجیان اداره میشد و اکنون در اثر انقلاب شاه و ملت و اعمال حاکمیت ملت ایران بر منابع نفت این پالایشگاه بدست ایرانیان اداره میشود و شهرت جهانی خود را بیش از پیش در جهان پیدا کرده است نکته ای که رهبر خردمند و اندیشمند ایران در بیانات دیروز خود در میان کارگران پالایشگاه آبادان بان اشاره فرمودند این بود که ارتجاع همچون گرمهای

ناتوان که در اثر گرمی آفتاب به حرکت درآمده است و مانند جوجه های پردر تبار و سرخ که حرکتی بسیار ضعیف دارد در صدد مبارزه با آرمانهای ملت ایران است

که ملهم و برخوردار از بنویات رهبر خردمند ایران میباشد (احسنت) بایشرفت ایران به مبارزه برخاسته است که

آینده اش تمدن بزرگ است (صحیح است) این هشدارى بود که رهبر خردمند ایران به کسانی دادند که

قدرت و توانائی دیدن پیشرفت های ایران را ندارند ، بار دیگر من در ساحت مقدس مجلس شورای ملی احساسات و علائق و شاهدوستی و وطن دوستی مردم زحمتکش و فعال مرز نشین آبادان را به پیشگاه مقدس شاهنشاه آریامهر

و ساحت مقدس مجلس تقدیم میدارم (احسنت) .

۷ - اعلام وصول لایحه اجازه عضویت سازمان

تحقیقات زمین شناسی و معدنی کشور در کمیسیون جهانی تهیه نقشه زمین شناسی جهان و اتحادیه بین المللی علوم زمین شناسی از مجلس شنا .

رئیس - لایحه ای از مجلس سنا رسیده است ، برای

اطلاع مجلسین قرائت میشود.

۸ - اعلام تعطیلات نوروزی مجلس و ختم جلسه .

(شرح زیر قرائت شد)

رئیس - طبق آئین نامه داخلی ، مجلس شورای ملی تا بیستم فروردین ماه تعطیل خواهد بود و طبق سنت سنوات گذشته روز عید نوروز بعد از شرفیابی به پیشگاه همایونی همراه بانمایندگان به دیدن سناتورها خواهیم رفت و بعد به مجلس شورای ملی برمیگردیم تا از همدیگر بازدید داشته باشیم ، ضمناً سناتورهای محترم هم برای بازدید نمایندگان همین جا در مجلس تشریف میآورند چون مطلب دیگری در دستور نداریم با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم می کنیم تاریخ و دستور جلسه آینده بعداً به اطلاع همکاران محترم خواهد رسید .

(جلسه ساعت ده و سی و پنج دقیقه صبح پایان یافت)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی

ریاست محترم مجلس شورای ملی

عطف بنامه شماره ۱۴۳۸۰ مورخ ۲۵۳۶/۸/۱۱ آن مجلس محترم ، گزارش کمیسیون شماره ۱ (خارجه) در قبال لایحه شماره ۵۸۱۶ مورخ ۲۵۳۶/۳/۱۵ دولت راجع به اجازه عضویت سازمان تحقیقات زمین شناسی و معدنی کشور در کمیسیون جهانی تهیه نقشه زمین شناسی جهان و اتحادیه بین المللی علوم زمین شناسی در جلسه روز دوشنبه ۲۲ اسفند ماه ۲۵۳۶ مطرح گردید و با اصلاحاتی بتصویب مجلس سنا رسید .

اینک لایحه قانون فوق جهت تصویب مجدد آن مجلس محترم بضمیمه ایفاد میگردد .

رئیس مجلس سنا - جعفر شریف امامی

رئیس - اصلاحات مجلس سنا به کمیسیونهای مربوط ارجاع میشود .